

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

شعر از لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۷ می ۲۰۱۸

به برادر عزیزم عبدالحسین الهامی

خطت جانا برای من ظفر شد
صفای دل ، دوی درد سر شد
زدم بوسه ، نمودم باز ، خواندم
فراوان بارخواندم ، باز خواندم
به جان شادی رسید از خامه تو
به روح آمد امید از نامه تو
چه معجز بود این که ایجاد کردی
صفا کردی که از من یاد کردی
الهی کامران بینم رُخت را
ببین ، چون دل نوشت این پاسخ را
به کام خشک و تلخم نیشکر شد
شب تارم ز نور آن سحر شد
خמוש آهسته ، با آواز خواندم
به هر باری سرورم بیشتر شد
به دل قوت دمید از چامه تو
غم از ملک وجود من بدر شد
دلی ویرانه را آباد کردی
زیادت جانم آزاد از خطر شد
ببوسم آن دو چشم فرخت را
کتاب است ار به ظاهر مختصر شد

مسکو ۱۹۵۶